

قاجار

قاجار نام دودمانی است که از ۱۷۹۴ تا ۱۹۲۵ بر ایران فرمان راند.

ایل قاجار

قاجارها قبیله‌ای از ترکمان‌های منطقه استرآباد (گرگان) بودند. قدرت یافتن قاجارها به عهد صفوی و شاه عباس کبیر برمی‌گردد؛ ابتدا در شمال رود ارس ساکن بودند و در آن زمان بدلیل کمک‌های بزرگی که به دربار صفوی می‌نمودند، قدرت بیشتری یافتند و سپس دسته‌ای از آنان در غرب استرآباد و در دشت گرگان سکنی گزیدند.

ایشان تبار خود را به کسی به نام قاجار نویان می‌رسانند که از سرداران چنگیز بود. نام این قبیله ریشه در عبارت آقاجر به معنای جنگجوی جنگل [نیاز به ذکر منبع] دارد. پس از حمله مغول به ایران و میان‌رودان، قاجارها نیز به همراه چند طایفه ترکمان و تاتار دیگر به شام کوچیدند. هنگامی که تیمور گورکانی به این نقطه تاخت قاجارها و دیگر کوچندگان را به بند کشید و سرانجام آنها را به خانقاه صفوی در آذربادگان بخشید. پس از آن قاجارها یکی از سازندگان سپاه قزلباش شدند.

سلطنت

بنا بر بعضی منابع تاریخی [نیاز به ذکر منبع] مادر بزرگ آقا محمد خان بیوه شاه سلطان حسین صفوی بود که در هنگام حمله محمود افغان به اصفهان از شاه سلطان

حسین باردار بود و بدلیل علاقه زیاد شاه به وی، برای جلوگیری از اسارت او بدست افغانها، توسط سران قزلباش فراری داده شد و بعد از قتل شاه سلطان حسین به زوجیت پدر بزرگ آقا محمد خان درآمد. بنا به این روایت پدر آقا محمد خان، محمد حسن خان قاجار، در اصل فرزند شاه سلطان حسین صفوی بوده است و به همین دلیل ارتباط نزدیک و پایداری بین بازماندگان دودمان صفوی و شاهان دوره قاجاری وجود داشته است.

نادر شاه افشار در زمان حکومتش برای جلوگیری از به قدرت رسیدن محمد حسن خان که در هنگام قتل پدر ۱۲ سال بیش نداشت یوخرای باش‌ها که ساکنین بالادست رود گرگان بودند را به حکمرانی منسوب کرد تا بدین ترتیب با ایجاد شکاف و چندگانگی میان طوایف قاجار نگران ناآرامی‌های داخلی نگردد و اشاقه‌باش‌ها زیر نظر حکومت ایشان گردند. در زمان آقا محمد خان قاجار این طایفه به دو قبیله اشاقه‌باش و یوخرای باش (به معنای ساکن ناحیه بالا - رودخانه - و ساکن ناحیه پایین - رودخانه) تقسیم شده بود و آقا محمد خان موفق گردید این دو قبیله را با هم متحد کرده و نیروی نظامی خود را استحکام بخشد.

در زمان این دودمان حکومت‌های پی در پی استانی بر مناطق گوناگون سرزمین ایران با جنگ یا مصالحه از میان رفتند و جای خود را به سامانه‌ای فدرالی با تبعیت از دولت مرکزی دادند و «کشور» ایران دوباره زیر یک پرچم شکل گرفت. رنگها و ترتیب آنها در پرچم کنونی ایران از زمان این سلسله بیادگار مانده است.

جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی شاه قاجار به جدا شدن بخش‌هایی از قفقاز
ار ایران شد.

ایران در زمان این دودمان با دنیای غرب آشنا گردید. اولین کارخانه‌های تولید انبوه،
تولید الکتریسیته، چاپخانه، تلگراف، تلفن، چراغ برق، شهرسازی مدرن، راهسازی
مدرن، خط آهن، سالن اپرا (که بعداً به سالن تعدیه تغییر کاربری داد)، مدارس فنی به
روش مدرن (از جمله دارلفنون که به همت امیر کبیر بنیاد گردید)، و اعزام اولین
گروه‌ها از دانشجویان ایرانی به اروپا جهت تحصیل در شاخه‌های طب و مهندسی در
زمان این سلسله صورت پذیرفت.

بازسازی ارتش ایران با روش مشق و تجهیز آنها به جنگ‌افزار نوین اروپایی نیز از
زمان فتحعلی شاه قاجار - در قرارداد نظامی اش با ناپلیون امپراتور فرانسه - آغاز
شد.

در زمان این سلسله و بعد از کشمکش بسیار بین شاهان قاجار و آزادی خواهان،
جنبش مشروطه در ایران برپا شد و سرانجام ایران دارای مجلس (پارلمان) شد و
بخشی از قدرت شاه به مجلس واگذار گردید.

سلسله قاجار با کودتای ۱۲۹۹ رضاخان قدرت را از دست داد. با انحلال سلسله قاجار
رضا شاه به سلطنت رسید. رضا شاه پس از به سلطنت رسیدن بسیاری از وزرا و

سفرای دولت قاجاریه را که غالباً از وابستگان خاندان قاجار بودند به استخدام درآورد که این ارتباط حرفه‌ای تا پایان سلطنت محمد رضا شاه نیز ادامه یافت.

شاهان قاجار

شاهزادگان قاجار شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا

حسام السلطنه

سلطان مراد میرزا حسام السلطنه

حبیب الله میرزا

محمد میرزا ملک آراء

عباس میرزا نایب السلطنه

عباس میرزا ملک آرا

ایرج میرزا جلال الممالک

کامران میرزا نایب السلطنه

مسعود میرزا ظل السلطان

محمد میرزا کاشف السلطنه

عبدالحسین میرزا فرمانفرما

عبدالمجید میرزا عین الدوله

ملک منصور میرزا شعاع السلطنه

ابوالفضل میرزا عضدالسلطان

ابوالفتح میرزا سالارالدوله

آقامحمدخان قاجار

آغا محمد خان قاجار بنیانگذار دودمان قاجاریه در ایران است. زاده: ۲۷ محرم ۱۱۵۵ هجری قمری برابر با ۲۷ خرداد ماه ۱۱۲۱ خورشیدی و ۱۷ ژوئن ۱۷۴۲ میلادی در دشت اشرفی در میانه راه ساری به گرگان؛

تاجگذاری: ۱۵ ربیع الثانی ۱۱۹۵ هجری قمری برابر با ۱ فروردین ماه ۱۱۶۱ خورشیدی و ۲۱ مارس ۱۷۸۲ میلادی در ساری؛
مرگ: ۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۱ هجری قمری برابر ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۱۷۷ خورشیدی و ۱۷ می ۱۷۹۸ میلادی در شوشا؛

آقامحمد خان فرزند محمد حسن خان قاجار و او نیز فرزند فتحعلی خان فرزند شاهقلی خان فرزند جهانسوزخان بود. مازندران و بارفروش (بابل امروزی) مرکز حکمرانی محمدحسن خان بود و فتحعلی خان حاکم گرگان و در استرآباد حکومت می کرد. اینان شیعه مذهب بودند. نادرقلی خان پس از کشتن فتح علی خان رقیب سرسخت خویش در خواجه ربیع طوس و با سعی و تلاش خویش به مقام شاهنشاهی رسید.

ریشه های قدرت یابی دودمان قاجار

قدرت یافتن دودمان قاجار به عهد صفوی و شاه عباس کبیر برمی‌گردد؛ ابتدا در شمال رود ارس ساکن بودند و در آن زمان بدلیل کمک‌های بزرگی که به دربار صفوی می‌نمودند، قدرت بیشتری یافتند و سپس دسته‌ای از آنان در غرب استرآباد و در دشت گرگان سکنی گزیدند. نادر شاه افشار در زمان حکومتش برای جلوگیری از به قدرت رسیدن محمد حسن خان که در هنگام قتل پدر ۱۲ سال بیش نداشت یوخاری‌باش‌ها که ساکنین بالادست رود گرگان بودند را به حکمرانی منسوب کرد تا بدین ترتیب با ایجاد شکاف و اختلاف میان طوایف قاجار نگران ناآرامی‌های داخلی نگردد و اشاقه‌باش‌ها زیر نظر حکومت ایشان گردند.

آقامحمد در آغاز نوجوانی

زمانی که نادر و فرزندان‌ش به قتل رسیدند، شاه‌رخ علی رغم میل باطنی اش برای به دست گرفتن قدرت تلاش می‌کرد. شاه‌رخ طرح دوستی با محمدحسن خان بست. با همکاری حاکم طبس ابراهیم خان را برکنار شدو شاه‌رخ به سلطنت رسید هرچند اندکی پس از ان شاه‌رخ شاه به دست دشمنانش نابینا گشت. آقا محمدخان در سن هفت سالگی بدلیل جسارت و زبان درازی در برابر عادلشاه [(به روایت دیگر در ۱۴ سالگی به دختری تجاوز کرده بود)، که از بستگان نادر شاه بود (بروایتی برادرزاده نادر شاه بود)] بدستور وی اخته گردید.

کریم خان و قاجار

چندی بعد محمد حسن خان سپاهی مجهز و بانظم ترتیب داد و به جنگ با کریم خان زند پرداخت. در جنگهای اولیه پیروزی با قجریها گشت. اما در اثر اختلافات داخلی میان آنان محمدحسن خان شکست خورد و در حال عقب نشینی توسط برخی

سرداران خود کشته شد. پس از آن خواهرانش را به شیراز فرستادند و یکی از آنان به عقد کریم خان درآمد.

پسران محمد حسنخان اسیر می شوند

آقا محمد خان با همیاری حسینقلی خان پس از درگذشت پدرشان دست به جنگهای

پارتیزانی زدند ولی اینها برای کریمخان چندان ویژه نبود تا آن که خراج آن سال

استرآباد بدستور آقامحمدخان مورد سرقت واقع گشت. همین امر سبب جنگ میان

فرستادگان کریمخان زند و او شد که در نهایت دستگیر گشت و به تهران بردند و

کریم خان همینکه فهمید او دیگر خواجه است و بر اساس فرهنگ آن زمان هیچ کس

برای یک خواجه ارزشی قایل نمی باشد امر کرد تا به تحصیل ذخیره آخرت بپردازد

و از جاه طلبی دست بردارد.

پس از آن به شیراز منتقل شد و در اسارت به سر می برد. هرچند که به گفته بسیاری

از مورخین (از جمله عضدالدوله برادرزاده آقامحمدخان) کریمخان با وی با احترام و

محبت رفتار می کرد و او را پیران ویسه خطاب مینمود و در کارها با وی مشورت

می کرد.

در همین زمان برادر آقامحمد خان حسینقلی خان جهانسوز در شمال ایران دست به
یاغی گری زد. آقامحمدخان که میدانست از سوی کریمخان مواخذه خواهد شد از بیم
جان خویش در حرم حضرت شاهچراغ خود رادخیل بست نشست ولی کریم خان
بوساطت اطرافیان خود او را مورد عفو قرار داد.